فهرست

[مقدمه 2](#_Toc87308309)

[توثیق موسی ابن اسماعیل توسط حاجی 2](#_Toc87308310)

[بررسی سند دوم به کتاب جعفریات 2](#_Toc87308311)

[مقام دوم: این‌همانی نسخه فعلی جعفریات با نسخه زمان شیخ و نجاشی 3](#_Toc87308312)

[شواهد حاجی نوری بر وثاقت جعفریات: 4](#_Toc87308313)

[نظر استاد در مقام دوم: 6](#_Toc87308314)

بسم‌الله الرحمن الرحیم

# موضوع: فقه / نکاح

# مقدمه

دلیل سوم و چهارم دو روایتی بود که در مستدرک از جعفریات یا اشعثیات نقل شده بود و مفادشان این بود که نگاه به زن‌های ذمیه جایز است. در خصوص سند این دو روایت بحث ما به اینجا رسید که کتاب جعفریات باید بررسی شود و تعیین و تکلیف شود. عرض کردیم مرحوم حاجی نوری در فایده دوم که اختصاص به شرح این کتب 65 گانه‌ای دارد که مستند اصلی ایشان هست در آغاز شروع به بحث جعفریات کردند. عرض شد در جعفریات دو مقام اصلی وجود دارد. یکی اینکه این کتابی که در کلمات قدما اسنادی برایش ذکر شده با قطع‌نظر از کتاب موجود همان کتاب اصلی که در عصور اول بوده و مرحوم نجاشی و شیخ و دیگران آن را داشته‌اند سندهایی که برایش ذکر کرده‌اند چطور است. دیروز بحث کردیم و عرض کردیم سندی که در این دو روایت در متن آمده و کل کتاب دارای آن سند است خالی از ضعف نیست؛ زیرا هم عبدالله ابن محمد دشوار است هم موسی ابن اسماعیل.

# توثیق موسی ابن اسماعیل توسط حاجی

البته درباره موسی ابن اسماعیل حاجی مبنایی دارد که وی را توثیق می‌کند. مبنای ایشان هم کفایت نقل اجلاء برای توثیق شخص است. موسی ابن اسماعیل را این‌طور توثیق می‌کنند. به خاطر اینکه قاعده نقل اجلاء را قبول دارند موسی ابن اسماعیل را توثیق کرده‌اند. نجاشی و شیخ اولاً هر دو گفته‌اند موسی ابن اسماعیل دارای کتب یا کتابی است این مؤید اول است همین‌طور اینکه از مشایخ اجازه‌اند و علاوه بر این دو شاهد اینکه ثقاتی از او نقل کرده‌اند محمد ابن یحیی الخزاز ابراهیم ابن هاشم محمد ابن عیسی آخر هم می‌فرمایند و انت خبیر بان روایه ثلاثه من الجلاء الثقات عن موسی و هم محمد ابن اشعث و ابن یحی و ابراهیم ابن هاشم بما یورث الظن القوی بکونه من الثقات مضافا الی کونه من المولفین. علاوه بر اینکه سبط امام هم هست. بر اساس این شواهد ظن قوی به ثقه بودن اوست. این تکمله موسی ابن اسماعیل بود.

نمی‌توان گفت اینها موجب توثیق می‌شود مگر اینکه ایجاد اطمینان کند و صرف اینها شاید کافی نباشد. دیروز هم عبدالله ابن محمد هم محمد بان اشعث هم موسی ابن اسماعیل هم اسماعیل ابن موسی را بررسی کردیم. این سندی است که در خود جعفریات موجود وجود دارد. این‌یک سند به‌کل کتاب بود که با یک دشواری می‌شد پذیرفت و راحت نیست.

# بررسی سند دوم به کتاب جعفریات

سند دوم به‌کل کتاب آنی است که در نجاشی آمده ابومحمد سهل ابن احمد ابن سهل از محمد ابن اشعث نقل می‌کند. به جای عبدالله ابن محمد سهل ابن احمد است. این سند دوم است. اشاره شد که سهل ابن احمد توثیق خاصی ندارد. مرحوم حاجی با شواهد و علائمی می‌خواهند سهل ابن احمد را تصحیح کنند که دشوار است.

سؤال: لا بأس به توثیق نیست

جواب: نجاشی داشت که سهل ابن احمد لا بأس به کان یخفی امره کثیرا ثم ظاهر فی الدین فی آخر عمره. در هر صورت این لا بأس به توثیق نیست ولی مدح است ولی عده و اکبری و نقل بعضی بزرگان را ضمیمه می‌کند و توثیق را به دست می‌آورد. این هم سند دومی است که در کلام نجاشی آمده است.

کسی ممکن است بگوید لا بأس به ادنی مراتب توثیق را می‌گوید.

سؤال: بعضی معتقدند جعفریات کتاب سکونی است.

جواب: بله.

شیخ هم سند عامشان همین سند عام است که سهل ابن احمد است. این دو سندی است که یکی در کتاب آمده و یکی نجاشی و شیخ این سند را نقل کرده‌اند.

عرض شود که مرحوم حاجی علاوه بر اینها می‌فرمایند غیر از سهل هم کسان دیگری هم این کتاب را از محمد ابن اشعث نقل کرده‌اند. غیر از عبدالله و سهل که از محمد ابن اشعث نقل می‌کنند چند نفر دیگر هم ذکر می‌کنند یکی محمد ابن موسی الاکبری است ابوالفضل الشیبانی و چند نفر دیگر را نقل می‌کند که بعضی‌شان معتبرند. ازاین‌جهت است که تا محمد ابن اشعث را باید قبول کرد. آنکه واسطه بین نجاشی و شیخ و امثال این بزرگان به جعفریات است چند نفرند. عبدالله و سهل و چند نفر دیگر. اینها مجموعاً می‌شود این جهت را از آن اغماض کرد؛ اما موسی ابن اسماعیل همچنان مشکل دارد. نسبت به موسی هم با توجه به اشتهار این کتاب ممکن است کسی بگوید اعتماد کند. چون از اصول مشهور بوده و جاافتاده بوده. این مقام اول بود و در حقیقت با قطع‌نظر از کتابی که اکنون دست ماست همان کتابی که دست شیخ و نجاشی بوده شاید بشود آن را پذیرفت زیرا تا محمد ابن اشعث یک سند نیست سندها متعدد است از محمد تا امام هم که سه نفر می‌شوند موسی ابن اسماعیل سختی دارد و ممکن است کسی با شواهد حاجی به اطمینان برسد که در این صورت سند درست می‌شود و الا در موسی ابن اسماعیل افتادگی ایجاد می‌شود. ممکن است کسی حرف‌های حاجی را درباره موسی ابن اسماعیل بپذیرد به‌ضمیمه اینکه این کتاب اشتهار داشته است.

# مقام دوم: این‌همانی نسخه فعلی جعفریات با نسخه زمان شیخ و نجاشی

اما مقام دوم که کار را دشوارتر می‌کند این است که این کتاب همان کتاب باشد. اینجاست که دشواری افزون می‌شود و در مقام دوم خیلی بیش از مقام اول است. قبل ادامه بحث مرحوم حاجی کلام صاحب جواهر را نقل می‌کند که صاحب جواهر به‌شدت نفی می‌کند اعتبار جعفریات را. کلام صاحب جواهر این است: و من الغریب بعد ذلک کله ما ذکره الشیخ الجلیل...

و أغرب من ذلك كله استدلال من حلت الوسوسة في قلبه بعد‌ حكم أساطين المذهب بالأصل المقطوع، و إجماع ابني زهرة و إدريس اللذين قد عرفت حالهما، و ببعض النصوص الدالة على أن الحدود للإمام عليه السلام خصوصا‌ المروي عن كتاب الأشعثيات لمحمد بن محمد بن الأشعث بإسناده عن الصادق عن أبيه عن آبائه عن علي عليهم السلام «لا يصلح الحكم و لا الحدود و لا الجمعة إلا بإمام»‌ الضعيف سندا، بل الكتاب المزبور على ما حكي عن بعض الأفاضل ليس من الأصول المشهورة بل و لا المعتبرة، و لم يحكم أحد بصحته من أصحابنا،

ازاینجا به بعد مال مقام دوم است یعنی این‌همانی آنچه الآن هست با آنچه نجاشی و شیخ به آن سند داشته‌اند:

بل لم تتواتر نسبته إلى مصنفه، بل و لم تصح على وجه تطمئن النفس بها، و لذا لم ينقل عنه الحر في الوسائل و لا المجلسي في البحار مع شدة حرصهما، خصوصا الثاني على كتب الحديث، و من البعيد عدم عثورهما عليه، و الشيخ و النجاشي و إن ذكرا أن مصنفه من أصحاب الكتب إلا أنهما لم يذكر الكتاب المزبور بعبارة تشعر بتعيينه، و مع ذلك فإن تتبعه و تتبع كتب الأصول يعطيان أنه ليس جاريا على منوالها فإن أكثره بخلافها، و إنما تطابق روايته في الأكثرية رواية العامة إلى آخره،[[1]](#footnote-1)

سؤال: صاحب جواهر نسخه‌ای غیر از نسخه محدث نوری دارند که از هند آمده

جواب: سؤالی است که صاحب جواهر اقدم از حاجی است. از کلام ایشان استفاده نمی‌شود که کتاب داشته است یا نداشته. فقط در بعضی کتب فقهی قدیم وجود دارد که به بعضی روایات این تمسک کرده‌اند. اینکه کتاب دست صاحب وسائل بوده یا نه معلوم نیست. ممکن است بگوییم کتاب دستش بوده که می‌شود نسخه‌ای که غیر از نسخه حاجی بوده؛ اما اینکه صاحب وسائل نسخه‌ای داشته یا اینکه همین روایاتی که در کتب دیگر به اشعثیات نسبت داده می‌شده است. مثلاً در امربه‌معروف و نهی از منکر به نقل از بعض الاساطین می‌گوید گفته اشعثیات هم همین‌طور است. نشان می‌دهد نسخه دست آن شخصیت بوده احتمالاً. آن هم ممکن است از دیگری نقل کند. در هر صورت اگر ثابت می‌شد از کلام صاحب وسائل یا بعض الاساطینی که صاحب وسائل از آن نقل می‌کنند که این کتاب دست آنها بوده این اطمینان را کمی بالاتر می‌برد که این کتاب فقط آنی نبوده که در هند پیداشده و دست حاجی رسیده است اگر این بود در بالا بردن اطمینان مؤثر بود اما این‌طور نیست.

سؤال: بعید است صاحب جواهر علامه مجلسی و حر داشته باشد

جواب: اثبات نمی‌شود دست صاحب جواهر بوده. صاحب جواهر می‌گوید بعید است دست آنها بوده و نقل نکرده‌اند

در مقام دوم ما اینکه بگوییم این نسخه همان نسخه است باید با شیاع و اطمینان درست کنیم و این شیاع و اطمینان کار سختی است. اینکه بگوییم این نسخه به نحو شایع و منتشر وجود داشته به حیثی که شک نمی‌کند که این‌همانی است که در عصر نجاشی و شیخ بوده و این اسناد را به آن ذکر کرده‌اند. گرچه احتمالش کم نیست ولی اطمینان نمی‌آورد

# شواهد حاجی نوری بر وثاقت جعفریات:

بعد جمع کلام نجاشی که گفته ضعیف سندا مربوط به مقام اول موسی ابن اسماعیل و اینها را درست می‌کند. بعد حاجی نوری می‌گوید:

و أمّا ثانيا: فقوله: «حاكيا عن بعض الأفاضل أنّه ليس من الأصول المشهورة.» الى آخره ففساده واضح بعد التأمّل فيما ذكرناه، و ليت شعري أيّ كتاب من الرواة الأقدمين أشهر منه، و أيّ مؤلّف لم ينقل منه، بل لم يذكروا كتابا مخصوصا منه في طيّ الإجازات سواه.[[2]](#footnote-2)

شواهدی می‌آورد که بعضی به این کتاب استناد کرده‌اند. مثلاً از علامه می‌گوید.

و عندي مجموعة شريفة كلّها بخط الشيخ الجليل صاحب الكرامات شمس الدين محمّد بن علي الجباعي، جدّ شيخنا البهائي رحمه اللّه نقلها كلّها من خطّ شيخنا الشهيد طاب ثراه و ممّا فيها ما اختصره من هذا الكتاب الشريف يقرب من ثلث هذا الكتاب،[[3]](#footnote-3)

شواهدی این گونه جمع می‌کند که کتاب مشهوری است اما چیزی در این شواهد وجود ندارد.

سؤال: می‌شود گفت اگر تعداد قابل قبولی از این کتاب در کتب دیگر باشد می‌شود اصل کتاب را ثابت کرد.

جواب: توجه کنید این‌که فی‌الجمله نسبتی این کتاب با آن دارد درست است. نسخه‌های الآن با آن هم ربطی دارد به‌خصوص جاهایی در این کتاب هست که علامه هم نقل کرده‌اند. فی‌الجمله اینکه اشعثیاتی بوده که نسبتاً مهم بوده نه به اهمیتی که حاجی می‌گوید و نه به تنقیص صاحب جواهر. نسبت به موسی ابن اسماعیل هم شاید بشود پذیرفت و نسخه‌های قبلی را درست کرد. نسبت نسخه الآن هم با آن بعید نیست؛ اما نکته مهم این است که از این کتاب می‌خواهیم حکمی اثبات کنیم و فرض کنیم جای دیگر نیست این سخت است زیرا اختلاف نسخه می‌شود و معلوم نیست این کتاب به‌دقت نسخه اصلی باشد.

سؤال: چطور می‌شود کتاب‌های تشیع که در عراق و ایران است در هند پیدا می‌شود؟

جواب: هند هم هم تشیعش قوی است هم تعصب داشته‌اند هم مهد تمدن است. نزدیک چهل سال است آقای خواجه پیری مستقر در هند است و کار ایشان این است که کتاب از مدارس آنجا جمع می‌کنند و یا اصلش یا نسخه دیجیتالش را به کتاب‌خانه آستان قدس نقل می‌دهند. هزاران کتاب آورده شده است. من رفته‌ام در لکنو که هزاران کتاب خطی که دارد خاک می‌خورد. کار آقا بوده که جلوی ضیاع اینها گرفته شود تا از بین نرود. آثار تاریخی و کتب خطی فراوانی آنجا وجود دارد هنوز هم هست. ایشان هم در صفحه 29 کتاب می‌فرمایند اینکه صاحب جواهر گفته من البعید عدم عثورهما علیه بعید است صاحب وسائل و مجلسی به این کتاب دست پیدا نکرده باشند می‌گوید:

لابعد فیه فانه کان عند الثانی کتب کثیر لم یکن عند الاول فان لعدم العثور اسبابا کثیره سوا عدم الفحص... هذا الکتاب لم نجد من نقل عنه بعد الشهید و جمله من کتب اخری کان عنده و نقل عنه فی الذکری و هذا یقوی الظن بعدم وجوده فی بعض البلاد؛ و اما نحن فعثرنا علیه فی الکتب التی جاء بها بعض الساده من اهل العلم من بلاد هند و کان مع قرب الاسناد و مسائل علی ابن جعفر و کتاب سلیم فی مجلد در یک جلد هر چهار کتاب بود و الحمد لله علی هذه النعمه الجلیله

# نظر استاد در مقام دوم:

می‌توانیم شواهدی بیاوریم که این کتاب همان است. اینکه مشهور بوده و به‌سادگی کسی در نسخه دست ببرد نمی‌شده. دست مرحوم شهید و علامه هم بوده چون نقل می‌کنند. عظمت کتاب و اهمیت آن هم اقتضا می‌کند از بین نرود. این شواهدی است که این همان است. از آن‌طرف هم شواهدی است که نمی‌توانیم بگوییم این همان است به‌دقت و ضبط. اینکه حداقل اگر دست شهید و علامه بوده سه چهار قرنی خبر از آن نیست و گم‌شده. دیگری اینکه صاحب وسائل و علامه یا داشته‌اند یا نه. اگر داشته‌اند و نقل نکرده‌اند شأن کتاب را پایین می‌آورد. هزار و خوردی حدیث باشد و هیچی نقل نکنند. اگر نداشتند یعنی تواتر نداشته و گم بوده. به نظرم وزن شواهد دوم اگر بیشتر نباشد کمتر نیست و مانع شیاع می‌شود

سؤال: شبهه‌ای در تعداد روایات است

جواب: بله. در اینجا الف دارد ولی اشعثیات موجود حدود 1600 تاست.

آنچه کمی محکم‌تر می‌کند از شهید که ثلثش را نقل کرده. لذا علی‌رغم اینکه خیلی مرحوم حاجی تلاش کرده این کتاب را تصحیح کند ولی واقعش اطمینان به اینکه این نسخه همان است و نه از طریق شیاع وجود دارد نه اجازه‌های مستقلی که به سند اصلی برسد. نه سند متصلی داریم نه شیاعی را می‌شود احراز کرد. به‌خصوص با توجه به اینکه آن دو بزرگوار نقل نکرده‌اند. البته ایشان می‌گوید لابعد که بگوییم ندیده‌اند؛ اما عرض کردیم ندیده باشند یک‌جور لطمه می‌زند دیده باشند طور دیگری لطمه می‌زند. لذا جعفریات را نمی‌شود خیلی مورد اعتماد قرارداد. در حد مؤید عیبی ندارد اما دقایق را نمی‌شود تمسک کرد.

1. . جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام؛ ج‌21، ص: 397. [↑](#footnote-ref-1)
2. . خاتمة المستدرك؛ ج‌1، ص: 27. [↑](#footnote-ref-2)
3. . خاتمة المستدرك؛ ج‌1، ص: 30. [↑](#footnote-ref-3)